

با دیدگاه امام خمینی (ره) وارد سینما شدیم

جمال شورجه، کارگردان با سابقه گفت؛ ما به عنوان نسل انقلاب با دیدگاه امام خمینی(ره) وارد سینما شدیم. موزه سینما همزمان با زادروز جمال شورجه و سالروز پیروزی انقلاب اسلامی بخش هایی از گفت‌وگوی تاریخ شفاهی این کارگردان پیشکسوت سینما را منتشر کرد. در این گفت‌وگو جمال شورجه گفت: من پیش از انقلاب به دانشگاه رقم و در رشته گرافیک تحصیل کردم. سپس وارد انجمن اسلامی شده و در آنجا با

بچه‌های مذهبی دانشگاه آشنا شدم و زمانی که حضرت امام وارد ایران شدند، اکثر نقاشی‌های پلاکاردها را ما نقاشی و خطاطی کرده بودیم. شورجه خاطرنشان کرد: یادم می‌آید فراخوانی از سوی مدرسه عالی شهید مطهری منتشر شد که طی آن دانشجویان می‌توانستند در رشته فیلمسازی تحصیل کنند و ما در رشته هنری تحصیل کردیم و علاقه‌مند به سینما شدیم. حدود صد نفر از انجمن‌های اسلامی در مرکز اسلامی



گفت‌وگوی «جام جم» با نیاز حمیدی، طراح لباس فیلم‌های «احمد» و «شور عاشقی»

چرا دادا ووران احمد را ندیدند؟

ادای دین سینما به مردم زلزله‌زده بم

نمایی از مردم زلزله زده در فیلم «احمد» عکس: امیر حسین نقاشپوری

فیلم «احمد» که روایتگر حضور موثر و قهرمانانه سردار شهید احمد کافعی در مدیریت مردم زلزله‌زده بم در ۴۴ ساعت اول آن فاجعه است، از جمله آثار خوب چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر بود که در داوری‌ها مورد بی‌مهری قرار گرفت و فقط در چهار رشته بهترین جلوه‌های ویژه بصری، چهره‌پردازی، صدابرداری و نقش اول زن نامزد دریافت جایزه شد. یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که دست‌کم شایسته نامزدی بود، طراحی لباس احمد است که نقش بسزایی در شخصیت‌پردازی و ترسیم وضعیت مردم زلزله‌زده بم در ساعات اولیه فاجعه داشت. نیاز حمیدی، طراح لباس این فیلم که طراحی لباس فیلم «شور عاشقی» را هم بر عهده داشت و یکی از پرکارترین سینماگران این دوره جشنواره فیلم فجر بود، طراحی لباس سریال «ایپدمی» و آثاری چون مسیح پسر مریم، وحشی و شماره ۱۰ را در کارنامه دارد.

فیلمبرداری به شهر بم رفتیم و افراد بازمانده از زلزله برای ادای احترام به از دست‌رفتگان خود لباس‌های همان روز زلزله را می‌پوشیدند، تفاوتی در مدل و نوع لباس‌های ما و آنها نبود و همین امر سبب شد احساس کنم به نوبه خود دینم را به مردم شریف بم ادا کرده‌ام.

۴] معدود آثاری که دربارہ وقایع کرپلا و آن برهہ تاریخی صدر اسلام در کشور ما ساخته شده، کلیشه فضای محدودی دربارہ لباس اولیا، اشقیاء و مردم را به وجود آورده و کم و بیش در بخش‌های مختلف فضاسازی ازجمله لباس، فیلم و سریال‌ها در یک مسیر گام برداشته‌اند. جمع رهایی از این کلیشه‌ها و درعین حال وفاداری تاریخی، چه دشواری‌هایی در طراحی لباس داشت و چقدر موفق شدید این تناقض و تعارض را مدیریت و لباس‌های ویژه‌ای برای کاراکترها ازجمله شمر و... طراحی کنید؟

فیلم، مدیومی گویاست و در آن نیازی به استعاره نیست. رنگ‌ها و طرح‌ها معنی یکسان ندارند و نسبت استفاده و همنشینی آنها در کنار دیگر عناصر فیلم معنی پیدا می‌کنند. در فیلمی قرمز یک معنی می‌دهد و در فیلمی دیگر معنی دیگری. فیلم نقاشی، داستان یا عکس نیست. سینما زبان و جان دارد و برای همین می‌تواند طراح را از بند کلیشه‌ها رها کند. به همین دلیل در شور عاشقی ضمن تحلیل، نقاشی‌های

باقی‌مانده از آن زمان و هم بررسی دیگر آثاری که با مضمون کرپلا ساخته شده بود، سعی کردم از نشان دادن رنگ‌های تکراری دوری کنم و جهان خودم را به تصویر بکشم. همین سبب شد تا امکان استفاده از لباس‌های آرشویی برای مان محدود شود، صفر تا صد کار را تولیدکنیم و گروه به دنبال پارچه‌هایی باشند که در آن زمان استفاده

می‌شد. بنابراین پارچه‌ها را رنگ و بخش زیادی از کار را در زمانی کم دست‌دوز کردیم، ازجمله طرح‌های روی لباس‌ها، دست‌پیچ‌ها، کمرپیچ‌ها، چرم‌ها. کفش‌ها و حتی نگینی که برای شمر استفاده کردیم، کار دست بود. در عین حال سعی کردیم هر لباس بسته به کاراکتری که آن را برتن می‌کند، شخصیت ویژه خود را داشته باشد.

۵] یکی از نقدها دربارہ لباس شور عاشقی، نونوار بودن برخی لباس‌هاست. به‌ویژہ وقتی آن را با احمد و مردمی زلزله‌زده مقایسه می‌کنیم، این نقد پررنگ‌تر می‌شود. چرا مقولہ مهم کهنه‌کاری که شاید عموم مخاطبان خیلی با آن آشنا نباشند و در احمد بسیار رعایت و اجرا شده و اساسا در کارهای شما با جدیت و وسواس اجرا می‌شود، در شور عاشقی کمی کم‌رنگ به نظر می‌رسد؟

در هر کاری به کهنه‌کاری و زندگی جاری در لباس‌ها معتقدم اما هر کار مختصات ویژه خود را دارد، خواست کارگردان، نوع تدوین و... در این کار به جز این مختصات، مسأله دیگری هم مطرح بود که با توجه به زاویه شدید آفتاب و کثفی بودن پارچه‌ها اگر کهنه‌کاری زیادی روی لباس‌ها می‌شد رنگ و بافت پارچه‌ها همسان می‌شد و این چیزی بود که ما نمی‌خواستیم اتفاق بیفتد.

۶] لباس یکی از مهم‌ترین بخش‌های فیلم احمد است که به خوبی به فضاسازی و بازنمایی واقعیت پس از زلزله بم در قصه کمک می‌کند. باتوجہ به این‌که ۲۴ ساعت داستان را در پنج شش ماه فیلمبرداری کردید از سختی‌های حفظ راکورد در لوکیشن‌های مختلف و چالش‌های روزانہ می‌پا کردن این تعداد از بازیگر و هنرور بگوئید.

ما روزانه چیزی حدود ۲۵ تا ۳۰ کیلو خاک مصنوعی می‌ساختیم، هم به دلیل واقع‌نمایی رنگ خاک و هم بهداشتی بودن آن. در حدود چهار تا پنج لیتر خون نیز استفاده می‌کردیم. در عین حال از برخی سکانس‌ها به بعد باید باندی‌های پانسمان، اسم‌ها و

بندهای اولویت‌بندی را نیز اضافه می‌کردیم تا طبقه‌بندی مجروحان طبق قصه باورپذیرتر شود. ما براساس همان عکس‌هایی که داشتیم بازنسازی این قسمت و بندهای سبز و قرمز را طبق واقعیت بم انجام دادیم. ضمن این‌که از زمان اولیه زلزله تا پایان فیلم باید تداوم بصری داستان را حفظ می‌کردیم آن هم با توجه به سکانس‌های طولانی که

گاهی غیرمتناوب تا چند هفته به طول می‌انجامید. قصد داشتیم در همه این بازسازی‌ها افرای با اجحافی رخ ندهد که خدای ناکرده کوچک‌ترین خدشه‌ای به دل مردم بم از طرف من یا گروه خویم وارد نشود. همچنین معضل دیگرمان افقاع هنروران پرشمار عزیزمان بود که اجازه دهند به آنها خاک و خون بزنیم.

۷] در طراحی لباس شخصیت‌هایی چون احمد، رهنما، دکتر صدر و عباس چه ویژگی‌هایی را در راستای فیلمنامہ در نظر گرفتید؟ با این توضیح که لباس احمد کافعی به‌ویژہ بلوز و کاپشنش بر مبنای واقعیت طراحی شده‌است یا رهنما که انگار با آن عینک، کشمشک او به‌عنوان متخصص یا مدبرانی مثل عباس که جهادی عمل می‌کنند، بیشتر به چشم می‌آید و...

در فیلمنامه، لباس کاراکتر احمد چیز دیگری بود اما دوست داشتم طرحی را برای لباس احمد کافعی اجرا کنم که به واقعیت نزدیک باشد. چون این فیلم فقط برای مردم معمولی نیست، ما این فیلم را ساختیم که ادای دینی به مردم بم شود، مردم بم قطعا احمد کافعی را در آن زمان با آن شمایل دیده‌اند پس ترجیح دادم که از منظر لباس احمد کافعی را بازنسازی کنم. در خصوص

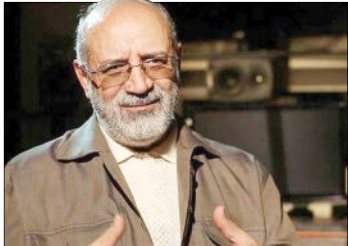
برش

نقش مهم طراحی لباس در فضاسازی فیلم «احمد»

۸] فکر می‌کنید چرا فیلم احمد با وجود این همه کار مهم و سخت در زمینه لباس، نامزد دریافت جایزه نشد؟

نامزد نشدن فیلم احمد در بخش طراحی لباس، سوالات زیادی را برای ما به وجود آورد. در این زمینه از کارگردان کار تعجب می‌کنم که باوجود این‌که لحظه به لحظه با کار همراه بود و از نزدیک زحمات گروه لباس و حجم بالای کار را می‌دید، بیش از هر چیز روی جلوه‌های ویژه بصری فیلم تمرکز و دربارۀ آن مصاحبه کند. با وجود کار ارزشمند آقای برادران در جلوه‌های بصری فیلم احمد،

آموزش فیلمسازی به تحصیل پرداختیم. شورجه بیان کرد: فکر می‌کنم هنوز نتوانستم دیدگاه‌های اسلامی خودم را از طریق سینما به مردم القاکنم. ما با دیدگاه امام خمینی (ره) وارد سینما شدیم. ایشان در بدو ورود خود به ایران در بهشت زهرا گفتند ما با سینما مخالف نیستیم، بلکه با فحشا مخالفیم.



صدر نیز چالش‌هایی با امیرعباس ربیعی (کارگردان) داشتیم، چون او دوست داشت این کاراکتر لباس دیگری داشته باشد اما چون صدر شخصیت واقعی نبود و نماینده گروهی از پزشکان، امدادگران و نیروهای پزشکی بمی بود، دوست داشتم صدر را در قالب آدمی ساده از دل خود مردم و خدمتگزار مردم نشان دهم. رهنمای قصه ما آدمی بود با وسواس‌های مختلف و همین را در طراحی لباس او رعایت کردم. لباس‌هایی با دیسپلین، با کنتراست رنگ‌های خاص که در عین ناهمگونی، هارمونی درستی داشت تا هم معرف شخصیت او باشد و هم تعجیلش برای رسیدن به تیم امداد رسانی به بم به چشم بیاید. کاراکتر رهنما برای من یکی از بهترین شخصیت‌ها بود که به نظرم بهتر از این نمی‌شد لباسی برای او طراحی کرد. ماجرای دست عباس قصه‌ای مفصل است که از آن می‌گذرم، ولی او قرار بود رئیس سازمان هلال احمر باشد اما در طراحی لباس او هم سعی کردم باز هم از کلیشه دوری کنم و فقط به یک آرم روی لباس شخصی او بسنده کنیم تا او را از رئیس بودن دور کرده و شکلی طبیعی و غیر شعاری به او بدهیم. در کل در مورد تمامی شخصیت‌های این فیلم سعی کردم تا شخصیت‌ها طوری بر پرده نقش ببندند که مردم آنها را دوست داشته باشند.

۹] بیشترین گروهی که روزانہ با گروه لباس تعامل و ارتباط دارد، کدام گروه‌است؟

گروه لباس باید روزانه با همه گروه‌ها از جمله گروه برنامه‌ریزی، کارگردانی و تولید تعامل داشته باشد. اینجا جا دارد که از مدیرتولید خوب فیلم احمد، آقای منصور غضنفری و تهیه‌کننده محترم این کار آقای حبیب والی‌نژاد تشکر کنم که در لحظه به لحظه تولید اثر همراه من و طرح‌هایم بودند. اگر این همراهی نبود به واقع شکل کار به این درستی اجرا نمی‌شد. شاید به چشم مخاطبان نیامده باشد اما این پروژه به‌جز لباس هنروری و بازیگری، ۱۵ مدل لباس دیگر از جمله صلیب سرخ، آتش‌نشانی، ارتش، سپاه، خلبانی و... داشت که برخی از این لباس‌ها تا ۹ شکل زیرمجموعه داشتند. وقتی بحث از لباس خاص می‌کنیم تنها لباس نیست که مطرح است، آرم و علائم، طراحی و بحث‌های تخصصی زیادی است مطرح که برای اجرایی شدن نیاز قطعی به همراهی گروه تولید و تهیه دارند.

۱۰] تکلیف این حجم از لباس احمد و شور عاشقی چه می‌شود؟ به آرشویی‌روند تا احیاناً در پروژه‌های دیگر استفاده شوند؟ احیاناً برخی لباس‌های کاراکترهای ویژه را در جای به‌خصوص نگهداری نمی‌کنید که بعدها اهمیت تاریخی و سینمایی پیدا می‌کنند؟ مثلاً لباس احمد کافعی در همین احمد با لباس شمر در شور عاشقی و...

در مورد این مقوله برای تهیه‌کنندگان محترم حرف‌ها دارم. لباس‌های هر پروژه جزو اموال ارزش‌هر پروژه است، چراکه برخی از این لباس‌ها به‌سختی تهیه می‌شود و حتی دیگر تضمینی برای پیدا شدن مجدد آنها نیست اما در صنعت سینمای ایران مشکلی اساسی درخصوص آرشيو لباس داریم. گروه‌ها مدت‌های مدیدی را صرف تهیه لباس‌های یک پروژه می‌کنند و پس از پایان فیلم اغلب آرشيو داران، قدر لباس‌ها را ندانسته و آنها را می‌فروشند و همین سبب می‌شود گروه بعدی برای دستیاران و طراحان پروژه‌ای دیگر برای تهیه همان لباس‌هایی که قبلاً تولید شده بودند انرژی تلف کنند. متأسفانه به این فکر نمی‌شود که در آینده‌ای خیلی نزدیک به همان لباس‌هایی احتیاج پیدا می‌کنیم که شاید دیگر نشود آنها را پیدا کرد.



بخش مهمی از فیلم در حوزه میدانی و در بخش‌های فنی ازجمله صحنه و لباس اتفاق افتاد و به فضاسازی بهتر فیلم کمک کرد. این اظهار نظر، نادیده گرفتن گروه‌های تولید، کارگردانی، برنامه‌ریزی، صحنه و لباس است. به‌نظرم چنین نگاهی، نقش مهمی در تصمیم‌هیات محترم داوران برای ندیدن طراحی لباس فیلم داشت. احتمالاً داوران به این نتیجه رسیدند که فیلم احمد حدود ۵۰ هنرور داشت و باقی جمعیت و وضعیت زلزله‌زده آنها در جلوه‌های ویژه بصری شکل گرفته است. درحالی‌که بنای جلوه‌های ویژه بصری، طراحی و اجرای خوب گروه لباس بود. آفیش‌های روزانه این پروژه، گواه سخنی‌کار و حضور هنروران پرشمار در این فیلم است.

رویداد

برگزیده چشم‌انداز پاسداشت زبان فارسی

شورای پاسداشت زبان فارسی معاونت صدا و رادیو ایران فیلم سینمایی «پروین» به کارگردانی محمدرضا ورزی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شرفی‌نیا را به عنوان چشم‌انداز پاسداشت زبان فارسی برگزید. بر همین

اساس شورای پاسداشت زبان فارسی معاونت صدا و رادیو ایران ضمن ارج نهادن به برخی تلاش‌ها در جشنواره مانند فیلم «نوروز»، فیلم پروین را برگزیده کارشناسان این شورا اعلام می‌کند. فیلم پروین با پاسداشت زبان و ادب فارسی، بزرگداشت مفاخر ایرانی، احترام به جایگاه زن، خانواده و سبک زندگی ایرانی- اسلامی (با گذشت از پارهای کاستی‌ها) برگزیده شورای کارشناسان پاسداشت زبان فارسی رادیو ایران است. این شورا پیشنهاد می‌کند «سیمرغ پاری» در بخش اصلی جشنواره فیلم فجر قرار گیرد تا هرساله کوشش برای نهادینه‌شدن سینمای ملی با تکیه بر زبان و ادب گرانقدر فارسی گسترش یابد. کارشناسان: دکتر مهدی آذر مکان، دکتر محمدرضا ترکی، دکتر محمدجعفر محمدزاده، دکتر یدا... گودرزی، شهاب شهزاد، دکتر رحمت امینی، عباس کریمی عباسی و مصطفی محمودی.



برده نقره‌ای

آغاز اکران «شاور»

فیلم سینمایی «شناور» به کارگردانی شهاب‌الدین حسین‌پور اکران خود را در سینماهای منتخب هنروتجربه» از ۲۵ بهمن‌ماه آغاز خواهد کرد. فیلم سینمایی شناور به کارگردانی شهاب‌الدین حسین‌پور و تهیه‌کنندگی رضا دادویی و میثم طوسی روز چهارشنبه ۲۵ بهمن‌ماه اکران خود را در سینماهای منتخب هنروتجربه آغاز می‌کند. همچنین، مراسم اکران ویژه و رونمایی شناور امروز دوشنبه ۲۳ بهمن‌ماه در پردیس سینمایی جارسو برگزار می‌شود. همزمان با آغاز اکران، لوگوتاپ این فیلم سینمایی با طراحی غزل امین‌نیا منتشر و رونمایی شد. شناور اولین تجربه کارگردانی فیلم بلند شهاب‌الدین حسین‌پور است که دانش‌آموخته کانون هنری حمید سمندریان و کارشناسی‌رشد کارگردانی تئاتر از دانشگاه هنرو معماری است و سابقه فعالیت طولانی کارگردانی و بازیگری در تئاتر دارد. شناور، داستان گروهی دوست صمیمی است که با یک‌دیگر به سفری کوتاه می‌روند و با گم‌شدن یکی از آنها اتفاقاتی رخ می‌دهد و رازهایی برملا می‌شود. در این اثر الهه افشاری، ملیکا باقری، الهه حسینی، گیلدا حمیدی، میثم درویشان‌پور، علیرضا ساوه‌رودی، فائقه شلاوند، اشکان صادقی، علیرضا مؤیدی، فرشید ناصری و بازیگر خردسال رزا دانا زاده به ایفای نقش می‌پردازند.



مستند داستانی شهید ابراهیم هادی

همزمان با ۲۲ بهمن‌ماه، چهل‌ویکمین سالروز شهادت ابراهیم هادی، کلیبی از مستند داستانی شهید ابراهیم هادی ساخته علی روبین‌تن آماده شد. این مستند داستانی، تفحص هفت محقق با هفت تخصص، از شهید جاوید الاثر ابراهیم هادی است. این فیلم مستند سینمایی داستانی با عنوان «آتش و گلستان» از علی روبین‌تن با حضور روایتگرانی همچون سعید... باداشتی، محمدرضا انصاری، تیما تقی‌زاده، علی توانگری، حبیب سیفالهی، سارا فیض، علی کارگر و نقی خوانی، میچکا خدابدنلودلو، منوچهر زرگر، آزاده هادیان، امیر پاسبان و ... هم‌راهان: مسعود شمس و صالح نوریان آماده نمایش می‌شود.



قاب

